

داستان گشتاسب در دو نگاه پیکره‌شناسی - دریافت اجتماعی

دکتر محمد رضا راشد محصل

راشد محصل، محمدرضا، ۱۳۱۵ -
 داستان گشتاسب در دو نگاه پیکره‌شناسی - دریافت اجتماعی / محمد راشد محصل
 ویراسته حمیدرضا نگهبان - مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، ۱۳۸۴.
 ۱۰۵ ص. - (انتشارات آستان قدس رضوی، شرکت به نشر ۶۹۳)
 شابک: ۳-۰۴۴۶-۰۲-۹۶۴ ISBN 964 - 02 - 0446 - 3
 فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
 کتاب حاضر نقد داستان گشتاسب شاهنامه فردوسی است.
 کتابنامه: ص. ۱۰۳-۱۰۵ همچنین به صورت زیرنویس.
 ۱. فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاهنامه. گشتاسب - نقد و تفسیر
 ۲. فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. - شخصیتها. ۳. شعر فارسی - قرن ۴ ق.
 - تاریخ و نقد. الف. فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاهنامه. برگزیده. گشتاسب.
 شرح. ب. نگهبان، حمیدرضا، ۱۳۵۲-، ویراستار. ج. شرکت به نشر (انتشارات آستان
 قدس رضوی). د. عنوان. ه. عنوان: شاهنامه. برگزیده. گشتاسب. شرح.
 ۲ د ۲۳ ر / PIR۴۴۹۶ ۸فا۱ / ۲۱
 ۱۳۸۴
 کتابخانه ملی ایران
 م ۸۴-۲۳۱۳۹



۶۹۳

داستان گشتاسب در دو نگاه (پیکره‌شناسی - دریافت اجتماعی)

دکتر محمدرضا راشد محصل

ویراسته حمیدرضا نگهبان

چاپ اول / ۱۳۸۵

۱۱۰۰ نسخه / وزیری

چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

شابک: ۳-۰۴۴۶-۰۲-۹۶۴

حق چاپ محفوظ است

به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

دفتر مرکزی: مشهد، ص. پ ۹۱۳۷۵/۴۹۶۹، تلفن ۸۵۱۱۱۷۰، ۸۵۱۱۱۳۶۰۷

دفتر تهران: ۸۸۹۶۰۶۲۰، ۸۸۹۵۱۷۴۰، نمابر ۸۸۹۶۵۹۸۲

پست الکترونیک: publishing@behnashr.com

آدرس اینترنتی: www.behnashr.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

پیش گفتار.....	۵
کوتاه نوشته داستان.....	۹
برخی ویژگیهای ساختاری.....	۳۱
الف - شکل شناسی.....	۳۱
ب - شخصیتها.....	۳۶
ج - صحنه ها.....	۵۶
دریافتهای اجتماعی.....	۶۱
الف - اشاره ها.....	۶۱
ب - اشاره های نجومی.....	۶۹
ج - آیینهای دینی و اجتماعی.....	۷۳
د - پیوست.....	۸۳
نمایه.....	۹۷
کتابنامه.....	۱۰۳

پیشگفتار

داستانهای حماسی، بازگوکننده نیازها و آرزوهای یک ملت در دورانهای مختلف زندگی و دربردارنده خاطره‌های ملی در تلاش با موانع طبیعی و انسانی است. ترکیب این داستانها، آمیخته‌ای از رویدادهای متفاوت است که گاه بدون پیوستگی زمانی و مکانی آرایش و پیرایش تازه یافته و شکل واحد گرفته است. این واقعیتها، بررسی داستان، دریافت هسته تاریخی اجزاء و نحوه ترکیب آنها را دشوار می‌کند زیرا شناخت حقیقت وجودی قهرمانان از سویی با انگیزه‌ها و خواستههای قومی و از سوی دیگر با محیط زیست، نحوه تربیت و برخورد با همزمانانشان در پیوند است. اشراف بر این مجموعه و استنباط درست و جامع، ساده نیست. در این میان *شاهنامه* وضعی بالنسبه روشن دارد که فردوسی از روایات مکتوب یا داستانهای رایجی استفاده کرده که به هر حال متعلق به ملتی است که یادگارهای کهن خویش را عزیز می‌داشته و در حفظ آن کوشا بوده است. محققان اتفاق نظر دارند که *شاهنامه ابومنصوری* و آثار مکتوب دیگر در شمار مآخذ فردوسی بوده است. نلدکه استفاده او را از نوشته‌ها تأکید می‌کند و می‌نویسد: «فردوسی به طور کلی از مآخذهای کتبی استفاده کرده است».^۱ آرتور کریستن سن اگرچه دریاب داستانها به صراحت سخن نمی‌گوید، منابع مختلف کتبی و منظومه‌ها و نوشته‌های زردشتی را از نظر دور نمی‌دارد.^۲ دکتر صفا علاوه بر *شاهنامه ابومنصوری*، *اسکندرنامه* و *اخبار رستم* را نیز از مآخذ کار استاد توس می‌شمارد.^۳

۱. *حماسه ملی ایران*، تئودور نلدکه، ترجمه بزرگ علوی، چاپ دانشگاه تهران ۱۳۷۲، ص ۷۰.

۲. نقل مضمون از *سیانیان*، کریستن سن، ترجمه دکتر ذبیح‌الله صفا، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ص ۱۵۹ به بعد.

۳. *حماسه‌سرایی در ایران*، ذبیح‌الله صفا، تهران، ۱۳۵۲، چاپ سوم، ص ۲۰۶.

به هر حال، این داستانها، چه به گواهی آثار موجود و پندار محققان، ترجمه گونه باشد و چه افزوده‌هایی بر اصل داشته باشد، از اهمیت مقام فردوسی نمی‌کاهد و در ارزیابی اثر بزرگ او چندان مؤثر نیست. زیرا حماسه پرداز خردورز ایرانی نه تنها از متون زرتشتی - به طور مستقیم - استفاده نکرده بلکه در پرداخت داستانها هم، تخیل را دخالت نداده است؛ حتی می‌توان پنداشت که برخی از توصیفها هم ترجمه گونه‌ای از مآخذ اصلی است. در مواردی هم که تصور می‌کرده است، خوانندگان بر او خرده خواهند گرفت، خارخار امانداری و علاقه به گذشته افتخارآمیز ایران او را به توجیه شگفتیها واداشته و برانگیخته است تا در ابتدا یا میانه داستانها به مناسبت، سندهای خود را که «دفتر باستان»، «نامه کهن» و ... است بازگو کند و آنچه از قول «سخنگوی دهقان»، «بت مهربان» و دیگران می‌آورد مشخص نماید:

یکی نامه بُد از گسه باستان	سخنهای آن بر منش راستان
چو جامی گهر بود و منشور بود	طبايع ز پیوند او دور بود
گذشته بر او سالیان شش هزار	گرایدون که پرش نماید شمار ^۱

یا:

ز بسبب شنیدم یکی داستان که بر خواند از گفته باستان
۲۱۷/۶/۱

چه اشاره‌ای از این گویاتر که او را نامه‌ای منشور بوده است که روایات آن، بار قرن‌ها قدمت را به دوش می‌کشیده و نشانه‌هایی از آرزوها و آرمانهای دست‌کم بیش از صد نسل را در خود داشته است. راویان او، گاه پیران جهان‌دیده‌ای هستند که آموزش داستانها و یادکرد آنها را برعهده دارند:

ز رویین دژ اکنون جهان‌دیده پیر	نگر تا چه گوید از او یاد گیر
سخنگوی دهقان چو بنهاد خوان	یکی داستان راند از هفتخوان
ز رویین دژ و کار اسفندیار	ز راه و ز آموزش گر گسار

۱۶۷/۶/۲۴-۲۶

۱. شاهنامه، حکیم ابوالقاسم فردوسی، چاپ مسکو، جلد اول ص ۱۳۶ ابیات ۹ تا ۱۱ (همه ارجاعهای متن به همین چاپ است با ذکر شماره بیت/ جلد/ صفحه).

این که کتابهای مورد مراجعه فردوسی یا سخنوران حماسه پرداز دیگر، خود از چه منابعی و متعلق به چه زمانی بوده است معین نیست، اما می توان پنداشت که اسطوره ها و افسانه های بر ساخته از آنها سینه به سینه به دیگران رسیده و در زمانی مناسب بر دفترها نقش بسته است. این مجموعه ها بیشترین خواستها و نیازهای ستمدیدگان را در طول زمان باز می گوید و به نحوی روشن، بیانگر واقعیتهای تاریخی و مقتضیات اجتماعی - حتی حکومتی - گذشته هاست. اگر بتوان سیمرخ، گرگ و ازدهایی را که چون گوزن شاخهای بلند و چون پیل بدنهای سترگ دارند، یا جادوزنی که چهره زشت خود را زیبا جلوه می دهد خیالی دانست یا نماد یک موجودیت طبیعی شمرد، باید پذیرفت که عناصر اصلی و انسانی داستان، زاییده خیال و پندار یک فرد نبوده است. کسانی چون گشتاسب، زریر، جاماسب، اسفندیار، پشوتن و بستور افراد حقیقی هستند که رنگ و نگار خواستهای مردمی چهره واقعی آنها را دگرگون کرده و از آنان پهلوانانی افسانه ای یا مردانی با خصلتهای ویژه ساخته است. در پشت چهره زال، رستم و بسیاری از قهرمانان دیگر، مردان راستینی نهفته اند که بر کرانه هیرمند یا نقطه ای نزدیک به آن روزگار می گذرانده و با سختیها دست و پنجه نرم می کرده اند. چه واقعی تر از این که رستم انسانی است با همه خصایص و ضعفهای بشری؛ مردی که در عین خردمندی مثل هر انسان دیگر اشتباه هم می کند، در هنگام خطر می گریزد یا به چاره گری متوسل می شود. اسفندیار، گودرز و زال نیز هوسهایی دارند و خودخواهی هایی، اما از صفتهای انسانی و کرامتهای خاصی هم برخوردارند که آنان را برجسته کرده و ظرفیت بزرگی بخشیده است.

اگر توصیف ازدهایی که:

ز دریان هـنگ درم بر کشد
نخواند برین مرز و بوم آفرین

۴۰/۶/۵۳۰-۱

همی ز آسمان گـرکس اندر کشد
همی دود زهرش بسوزد زمین

و دیوی که:

ز تابیدن خور زیانش بدی
سر از گنبد ماه بگذاشتی
از او چرخ گردنده گریان شدی

۲۵۷/۶/۶۵۶-۸

... دریای چین تا میانش بدی
همی ماهی از آب برداشتی
به خورشید ماهیش بریان شدی

خیالی به نظر می‌رسد مبالغه و اغراق آن که فراموش شود، چه می‌ماند؟ ماری بزرگ و مردی سترگ و این هر دو پذیرفته است. بدین روست که نمی‌توان آنها را کلاً زاده پندارهای مردم شمرد بلکه این اهمیت و قدرت مادی یا معنوی آنهاست که بر مردم گران بوده و سبب شده است تا از خیال مایه گیرند و موجودات واقعی یا پدیده‌های طبیعی را به شکلی در پندار خود بسازند که جنبه آرمانی به خود گرفته و نمایشگر مظاهر خاص طبیعی، کیهانی یا تصویری باشند. توجیه داستانها از نظر استاد توس هم، مبتنی بر همین واقعیتهاست:

تو ایسن را دروغ و فسانه مدان به یک سان روشن زمانه مدان
از او هرچه اندر خورد باخسرد دگر بر ره رمز معنی بسرد

۲۱/۱/۱۲۵۶

و از این آشکارتر:

تو مردیو را مردم بدشناس کسی کو ندارد ز یزدان سپاس
هر آن کو گذشت از ره مردمی ز دیوان شمیر، مشمرش ز آدمی

۳۱۱/۴/۱۴۳۴

پژوهش حاضر چند بخش دارد که بنا به ضرورت ابتدا کوتاه نوشته داستان و سپس شکل‌شناسی آن خواهد آمد و این همه بر پایه *شاهنامه*، چاپ مسکو انجام شده است.

در پایان سپاسدار لطف دوست عزیز آقای حمیدرضا نگهبان هستم که این نوشته را از نظر گذرانده و نکات دقیق و ارزنده‌ای را یادآور شده‌اند. همچنین کوشش دوستان ارجمند آقای محمدنعم آبادی و سرکار خانم پرستو شیرین سخن را سپاسگزارم که نهایت هنرمندی را در آرایش این اثر و آماده‌سازی به موقع آن به انجام رسانده‌اند؛ و ارجگزار مسؤولان محترم انتشارات آستان قدس رضوی (به‌نشر) در چاپ این اثر می‌باشم. خداوند همه را نگهبان و پیروزسان باد!

محمد رضا راشد محصل

فروردین ۸۴